

### نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مهندسی اجتماع

علیرضا نادری خورشیدی <sup>۱</sup>	تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۸/۱۲
هادی فقیه علی‌آبادی <sup>۲</sup>	تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱۰/۲۰
حجت‌ا... بهرامیان <sup>۳</sup>	صفحات مقاله: ۹۱ - ۱۱۸

### چکیده

اگر چه نمی‌توان تاریخ معینی را برای پیدایش سازمان‌های غیردولتی یا به تعبیر دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) متصور شد، ولیکن در چهار دهه‌ی گذشته و آن هم در قواره و کارکردهای نوین، از رشد و توسعه‌ی روزافزونی برخوردار شده‌اند، و با تکیه بر ماهیت و خاستگاه وجودی آنها، که برگرفته از اهداف، آرمان‌ها، علائق و سلاطین مشترک مردم جامعه است، رهبران جوامع را به صرافت انداخته تا از این بستر برای عمق بخشی راهبرد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود خصوصاً در فرامرزها بهره بگیرند. بر همین مبنا، کشورهای جهان سوم و جغرافیای هدف پژوهش (افغانستان) و آن هم بعد از تراژدی ۱۱ سپتامبر و حاکمیت دولت قانون، محملی مناسب برای ظهور و بروز کثیری از سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) کشورهای غربی و آسیای جنوب خاوری گردیده است و حال آن که جمهوری اسلامی ایران با وجود مجموعه‌ای از فرصت‌ها، بهره‌ی لازم را با هدف تعمیق و نفوذ راهبردهای خود به عمل نیاورده است. در این پژوهش روندی پی‌گرفته شده تا با شناخت عناصر کلیدی و جانمایی آنها به مختصاتی اصلی که در شکل‌دهی به مهندسی اجتماع مؤثرند، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد را به عنوان بخشی از این جامعه، شناسایی و تعیین نموده و موقعیت و جایگاه آنها را به عنوان یک زیر سیستم در کلان اجتماع تبیین نماییم. برای این منظور با استفاده از متدولوژی رویش نظریه که روشی استقرایی و Case محور است و به تعبیری مفهوم‌مدار، پدیدارساز مفاهیم از متن، سازگاری نتایج با پدیده‌ها و واجد ماهیتی خودجوش، به اکتشاف در تعدادی از نهادهای فعال در منطقه‌ی هدف پرداخته و طی یک فرآیند جزء به کل، مفاهیم و مقوله‌های کلیدی که موجب توسعه و گسترش آنها شده استنباط گردیده و با استفاده از

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲ عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۳ دکتری مدیریت، گرایش سیستم دانشگاه جامع امام حسین (ع)

تکنیک‌های تحلیل محتوا (آنتروپی شانون)، منطق فازی، مغوله‌های استحصالی اولویت‌بندی و به یک شبکه‌ی مفهومی در سه حوزه‌ی زمینه، ساختار و رفتار خلاصه کرده و بر آن مبنای یک متانظریه، یک نظریه‌ی اصلی و سه نظریه‌ی فرعی و نهایتاً توصیه‌های راهبردی برای توسعه نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مهندسی اجتماع، دست یافته‌ایم.

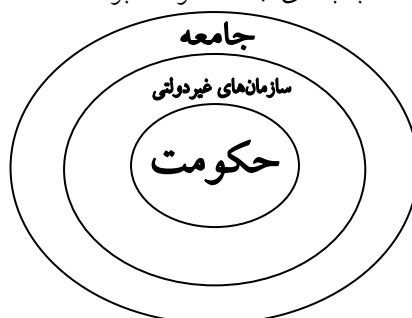
\* \* \* \* \*

### کلید واژگان:

سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، نقش، مهندسی اجتماع، تحلیل محتوا، آنتروپی شانون، شبکه‌ی مفهومی، تکنیک فازی

### مقدمه

رجحان توسعه و بسط پارادایم جامعه محور که مبتنی بر نهادها و تشکلهای برآمده از اراده‌ی جمعی جامعه است بر پارادایم دولت محور، که دولت‌ها را به عنوان واحد سیاسی فعالیت‌ها می‌شناسد، در عصر مدرنیته و فرامردن بطور جد، مورد امان نظر قاطبه‌ی صاحب‌نظران اجتماعی و مدیریتی قرار گرفته است. دستاوردهای گران‌سنگ این راهبرد تحولی از جمله برون‌رفت از تمرکزگرایی، خروج از انحصار و نسخه‌پیچی دولت‌ها و توجه و تمرکز آهنگ توسعه بر بنگاه‌های خصوصی و نهادهای مردمی بارقه‌ی امید را برای آینده‌ی جامعه نوید می‌دهد. در این رهیافت، سازمان‌های غیردولتی (سمن‌ها) به عنوان حلقه‌ی واسط بین دستگاه‌های حکومتی از یک سو و توده‌ی مردم از جانب دیگر، نقش بسزایی دارند. (شکل ۱) هم از آن بُعد که تمنیات و توقعات مردم را نمایندگی می‌نمایند و هم از سویی دیگر تسهیل‌گر، توزیع‌کننده و ایفاگر نقش و وظایف دولت‌ها به بدنه‌ی جامعه خواهند بود.

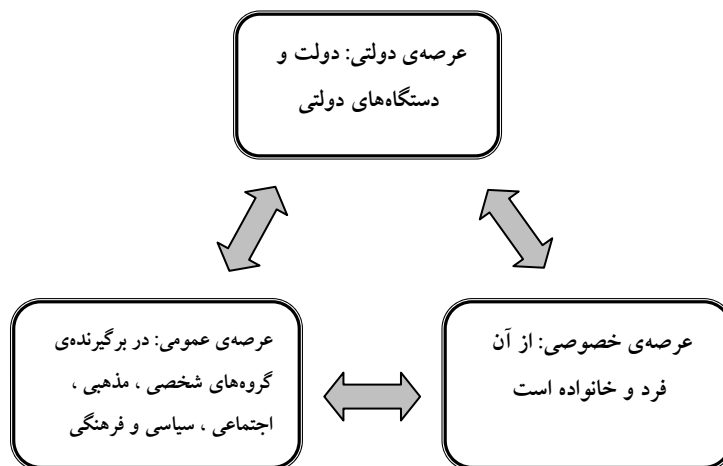


شکل ۱

این آهنگ با پیدایش موج دمکراتیزاسیون از سال‌های ۱۹۶۴ در کشورهای پیشگام در توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی آغاز شد، به نحوی که لازم و ملزوم یکدیگر شدند و حتی در مقاطعی از تاریخ و بعضی از جغرافیای سیاسی جهان از همزاد خود (دمکراسی) پیشی گرفته، و امروزه میلیون‌ها سازمان مردم‌نهاد در جهان به ثبت رسیده است و قلمروی جغرافیایی آنها از یک محله، منطقه، کشور تا سطح بین‌المللی تسری یافته است، به طوری که بعضی از آنها در ۱۲۹ کشور دنیا فعالیت دارند و به عنوان همکار، مکمل، هماهنگ‌کننده و حتی در مقاطعی به عنوان منتقد و معارض دولت عمل می‌نمایند، نسبت این توسعه‌ی کمی و کیفی بستگی تام به توسعه‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور مبدا نهاد دارد، هر قدر کشوری از آزادی‌های سیاسی، اجتماعی بیشتری برخوردار بوده، تنوع و تکثر این نهادها زیادتر و بالعکس کشورهایی که از این آهنگ مدنیت نوین عقب‌ترند، ظهور و بروز این نهادها بی‌رمق‌تر است. چرا که کشورهای غیر دمکراتیک، این نهادها را در برابر خود و بعضاً عامل بیگانه می‌پندارند و از بروز، ظهور و حضور مؤثر اجتماعی آنها ممانعت به عمل می‌آورند، هر چند این تصور نیز محتمل است ولیکن واقعیت‌های جامعه‌ی جهانی اثربخشی روزافزون آنها را در وحدت بخشی، یکپارچگی و توسعه‌ی عدالت اجتماعی انکارناپذیر ساخته است و به عنوان بخش لاینفک از ابر سیستم (جامعه) نقش و تأثیر آن را در مهندسی اجتماع رهنمون می‌دهد. لازمه‌ی این ابقای نقش، شناخت نیازها و عوامل زمینه‌ای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه و به تبع آن ایجاد توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بالفعل و بالقوه‌ای است که بتواند با توجه به مقتضیات و شرایط هر جامعه، از طریق اقدامات مناسب و مؤثر نیاز آنها را برطرف نموده و با نفوذ و عمق‌بخشی در فرهنگ و زیرساخت‌های فکری و رفتاری جامعه‌ی هدف، پیوندهای ناگسستنی مبتنی بر تعهد، علقه‌ی ارتباطی، تعهدات مشترک و نسبتاً پایدار و گرم فی‌مابین کنشگران اجتماعی را به وجود آورد و از این طریق نقش نهادها را در مهندسی اجتماع که فرایندی است آگاهانه، سیستمی، بنیادین و پایدار محقق سازد، و از قبل آن، تعاملات را وسیع، عمیق و جامعه‌پذیر نموده، اجتماع را بر محور تعهد، وفاق، علقه، اعتماد مقابل و هنجارهای ترکیبی و ارزشی سوق داد و از طرفی ساختارها را هنجاری و کنترل را درونی نمود و فرهنگ‌ها را در تحولات و تعاملات محوریت بخشید و نهایتاً نظام جامعه‌محور را جایگزین نظام دولت‌محور نمود.

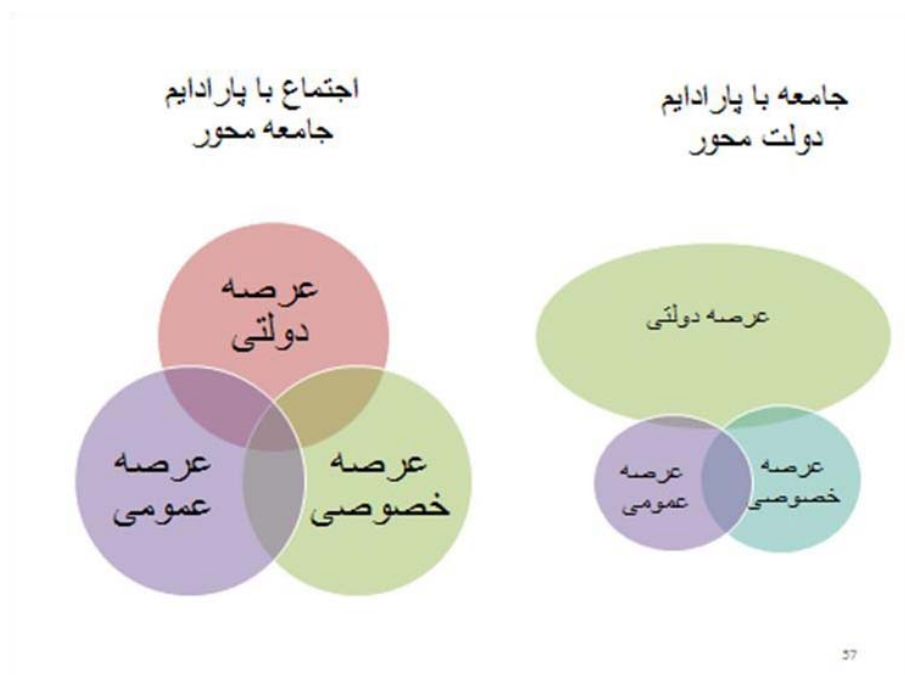
### مبانی و ادبیات موضوع:

اهمیت و نقش برجسته‌ای که سازمان‌های مردم نهاد در عمق بخشیدن به روابط و تعاملات، پایدارسازی رفتارها و روان‌سازی اقدامات جامعه داشته و از طرفی به عنوان عاملی سوق‌الجیشی آن هم جهت تأمین اقتدار، امنیت ملی و کمک و تسهیل در روابط خارجی با مکانیزم دیپلماسی غیررسمی برعهده دارند، موجب توسعه‌ی شبکه‌های اطلاعاتی، وحدت و انسجام عمیق و گسترده در جامعه شده، فرصت و ظرفیت‌های جدیدی را برای توسعه‌ی جامعه نوید می‌دهند، به طوری که بازماندن از این مزیت مؤثر و رقابتی، میدان دادن به رقبای و تبدیل فرصت‌ها به تهدید است. هم‌چنین عدم بکارگیری از بازیگران غیردولتی در اداره‌ی امور، خاصه عرصه‌ی بین‌المللی نوعی دیگر از فرصت‌سوزی‌هاست که تفکر غیرتعاملی با جهان از جمله شقوق استراتژی پارادایم دولت محور است. از نظر جامعه‌شناختی - می‌توان جامعه را به سه عرصه تقسیم نمود: عرصه‌ی خصوصی که از آن فرد و خانواده است، عرصه‌ی دولتی که شامل دستگاه‌های دولتی و عرصه‌ی عمومی که در برگیرنده‌ی گروه‌های اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و سیاسی است (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۷) (شکل ۲) و جامعه‌ی مدنی در گروی بوجود آمدن شرایط ویژه‌ای در هر سه عرصه و روابط و تعاملات ارگانیکی بین آنهاست.



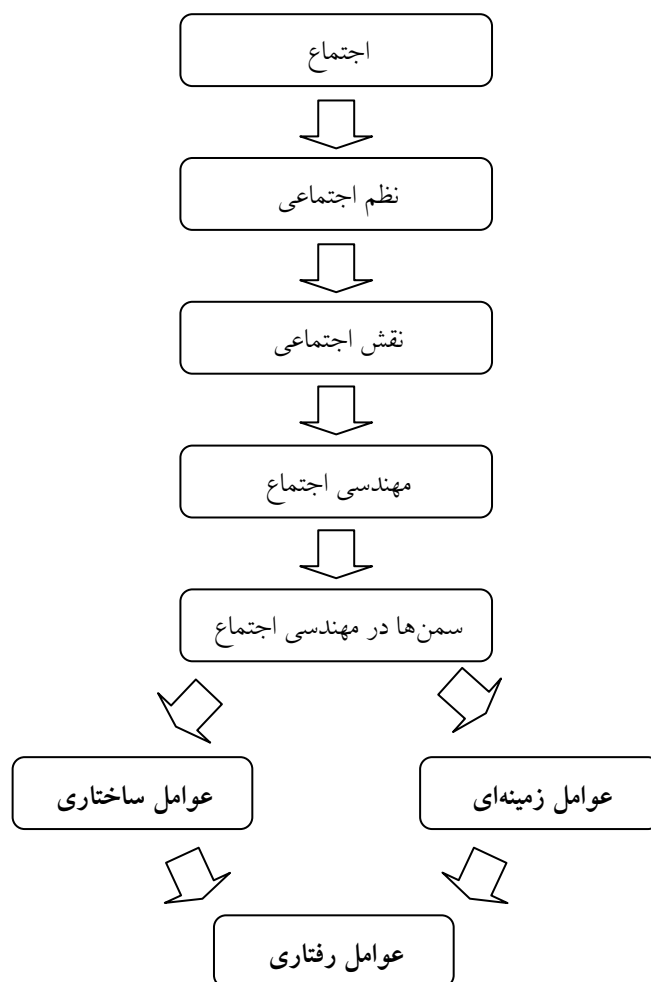
شکل ۲

بخش عمده‌ای از این عوامل خصوصاً در عرصه‌ی عمومی مربوط به نهادهای مردمی است که به قول آقای بورکن هابرماس، حلقه‌ی مفقوده در نظریه‌ی جامعه‌ی مدنی است؛ هر قدر این نهادها فعال‌تر و قوی‌تر شوند از نقش تصدی‌گری دولت‌ها کاسته شده و پارادایم جامعه محور قوی‌تر می‌شود. (شکل ۳)



شکل ۳ - شمای ساده‌ای از روابط سه بخش

برای روشن شدن این موضوع، بیان سیر مراحل پیدایش نظریه به عنوان مبانی نظری تحقیق اجتناب‌ناپذیر است. و لذا اقتضا می‌کند تا مقوله‌ی فراگیر اجتماع، ابعاد و شقوق آن ترسیم گردد. (شکل ۴)



شکل ۴ - سیر مراحل نظری تحقیق

و به تبع آن، نظم اجتماعی، نقش اجتماعی، مهندسی اجتماع، نقش سمن‌ها در مهندسی اجتماع در سه حوزه‌ی زمینه، ساختار و رفتار تعیین می‌گردد.

## تبیین مبانی نظری تحقیق

## الف- اجتماع:

مفهوم اجتماع در ادبیات جامعه‌شناسی در دو معنا به کار می‌رود، یکی در معنای قلمرویی و دیگری در معنای غیر قلمرویی در معنای اول تأکید روی قلمرو مشترک است و در معنای دوم تأکید روی پیوند مشترک و حس تعلق است. در شکل ناب و به اصطلاح طبیعی آن، جوهره‌ی اصلی اجتماع قابل تحویل به علقه‌ی اجتماعی و تعهدات مشترک و نسبتاً پایدار بین تعدادی کنشگر با پشتوانه‌ی تعاملات گرم توأم با جهت‌گیری سستی است، نوع اجتماع بستگی به نوع تعهد، وجود علقه‌ی ارتباطی، اندازه‌ی اجتماع است که اندازه‌ی اجتماع به تعداد کنشگر مشمول آن وابسته است.

## ب- نظم اجتماع:

در تعریف نظم اجتماع و در یک فرایند کل به جزء چهار فرایند مشبک یعنی مجموعه‌ی مواضع اجتماع، مجموعه‌ی هنجارها، مجموعه‌ی تعاملی و مجموعه‌ی آرمانی مطرح می‌گردد. و مجدداً هر کدام از این چهار بُعد چهار بُعد دیگر را دربر دارند. این مختصات 4x4 از چهار خرده نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را با همهی وجوه تمایزی که بین آنها وجود دارد که تعامل آنها برای مهندسی متعامل جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است. از چهار حوزه‌ی مذکور خرده نظام فرهنگی و اجتماعی حوزه‌ی نرم، و خرده نظام اقتصادی و سیاسی راحوزه‌ی سخت اطلاق نموده‌اند، در نظم‌دهی به جامعه (مهندسی اجتماع) در هر مقطع زمانی یکی بر دیگری اولویت دارد، ولیکن تعامل سیستماتیک آنها اجتناب‌ناپذیر است، بنابراین، برای فهم مشترک از موضوع تعریف نظم اجتماع لازم به نظر می‌رسد و آن عبارت است از: تنظیم و انسجام هنجاری مبتنی بر اصول مشترک ارزشی جامعه، روابط بین واحدها، که با نهادینه شدن اجتماعی و فرهنگی میسر می‌شود را نظم اجتماعی گویند به عبارتی تعامل منطقی و هدفمند و بدون هر گونه اختلال در هنجارهای جامعه را نظم اجتماعی گویند. برای تحلیل این چهار نظام - شناخت عناصر هر یک از آنها اجتناب‌ناپذیر است، زیرا آنچه شاکله‌ی اصلی نظام را شکل می‌دهد. ترکیب متقارن و یا نامتقارن همین عناصر است که در فرایند جزء به کل مختصات هر یک از خرده نظام‌های مذکور را به وجود می‌آورد.

عناصر نظامات:

- الف- عناصر فرهنگی (رابطه‌ی گفتمانی، کنشگر، کنش ارزشی، معرفت و اندیشه)  
 ب- عناصر اجتماعی (تعهد، علقه‌ی اجتماعی، کنشگر، کنش سنتی، روابط اجتماعی)  
 ج- عناصر سیاسی (رابطه‌ی اجباری، کنشگر، علقه‌ی مادی، کنش عاطفی و ترور)  
 د- عناصر اقتصادی (روابط مبادله‌ای، کنشگر، کنش ابزاری، علقه‌ی مادی و پول)  
 و از این رو، نقطه‌ی عزیمت ما در کلیت این تحقیق از عناصر آغاز می‌شود.

جدول ۱- توزیع و سهم عناصر نظام در سه حوزه

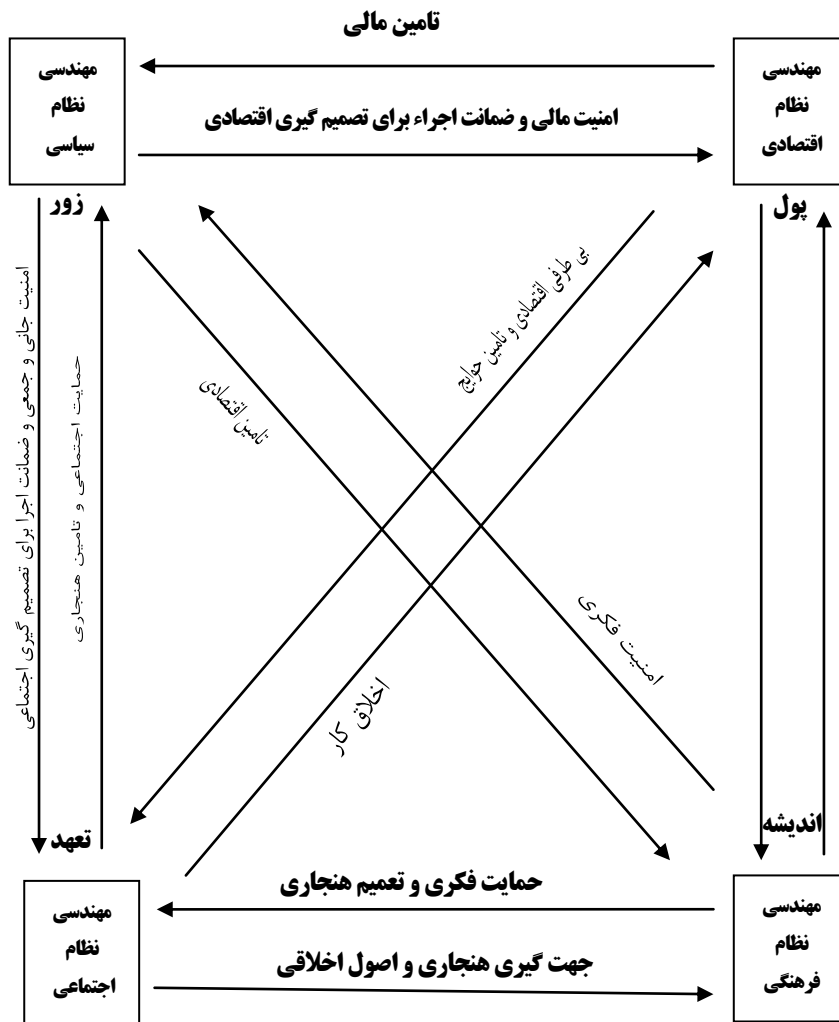
نظام	عناصر	زمینه	ساختار	رفتار
اقتصادی	- روابط مبادله‌ای	✓	✓	✓
	- کنشگر	✓	✓	✓
	- کنشگر ابزاری	✓	✓	✓
	- علقه‌ی مادی	✓	✓	✓
	- پول	✓	✓	✓
سیاسی	- رابطه‌ی اجباری	✓	✓	✓
	- کنشگر	✓	✓	✓
	- علقه‌ی مادی	✓	✓	✓
	- کنش عاطفی	✓	✓	✓
	- زور	✓	✓	✓
فرهنگی	- روابط سنتی و گفتمان	✓	✓	✓
	- کنشگر	✓	✓	✓
	- کنش ارزشی	✓	✓	✓
	- معرفت	✓	✓	✓
	- اندیشه	✓	✓	✓
اجتماعی	- تعهد	✓	✓	✓
	- علقه اجتماعی	✓	✓	✓
	- کنشگر	✓	✓	✓
	- کنش سنتی	✓	✓	✓
	- روابط اجتماعی	✓	✓	✓



به طوری که با ترکیب این عناصر، اشکال گوناگون مهندسی اجتماع شکل می‌گیرد و سنخ‌شناسی جداگانه‌ای به وجود می‌آورد، فرضاً:

- از ترکیب اندیشه، قدرت اجتماعی و عمل عاطفی، معرفت ایدئولوژیکی حاصل می‌شود؛
- از ترکیب اندیشه و تعهد و عمل سنتی، معرفت اخلاقی حاصل می‌شود؛
- از ترکیب اندیشه، پول و عمل ابزاری، معرفت علمی حاصل می‌شود؛
- از ترکیب اندیشه، دانش و عمل ارزشی، معرفت فلسفی حاصل می‌شود؛
- از ترکیب تعهد با علقه‌ی ارتباطی در بُعد اجتماع، هنجار اجتماعی حاصل می‌شود؛
- از ترکیب تعهد با علایق مادی، امنیتی و قدرت اجتماعی، هنجار قانونی حاصل می‌شود؛
- از ترکیب تعهد، علقه‌ی معرفتی و عنصر ارزشی، اندیشه هنجار اخلاقی درست می‌شود؛
- از ترکیب تعهد، علقه‌ی مادی و عنصر فنی اندیشه، هنجار رویه‌ای ایجاد می‌شود.

از این رو، با ترکیب عناصر، سنخ‌شناسی مذکور حاصل می‌شود. از ترکیب این سنخ‌ها مختصات هر نظام و از قطع و تعامل هر چهار نظام – مدل مهندسی جامعه شکل می‌گیرد. (شکل ۵)



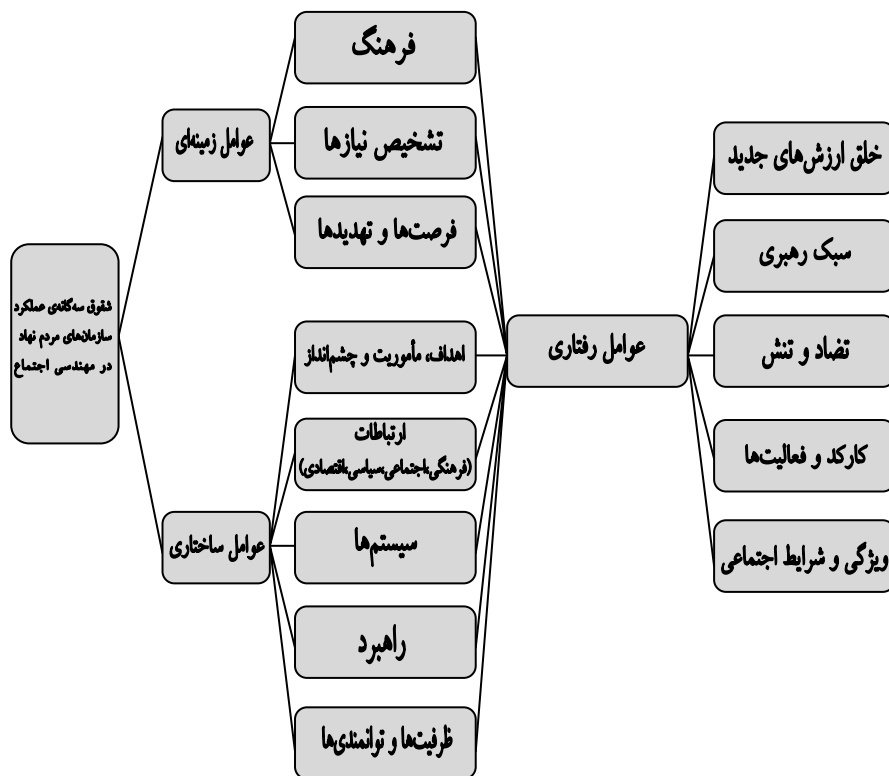
شکل ۵- مدل تعاملی مهندسی اجتماع

حال با توجه به رجحان پارادایم جامعه‌محور بر پارادایم دولت‌محور و نقش نهادهای مردمی در این پارادایم ضرورت تبیین ابعاد نقش سازمان‌های مردم‌نهاد که فلسفه‌ی وجودی این پیمایش است، لازم به نظر می‌رسد. مهندسی اجتماع بنا بر طبیعت خود یک علم مجتمع یا به تعبیر دیگر سیستمیک است و لازمه‌ی درک درست آن این است که پی ببریم چگونه و چرا

و چطور، اجزا بر یکدیگر منطبق شده و به صورت یک کل و به طرز مطلوب عمل می‌نمایند و به تبع آن سازمان‌های مردم نهاد بنا بر موقعیت، شرایط، جغرافیا و نوع خدمات و محصول و بر اساس شناخت نیاز مردم جامعه‌ی هدف می‌توانند ایفای نقش نمایند تا ضمن آن که در چنبره‌ی بوروکراسی گرفتار نشده، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های لازم را برای پاسخگویی مهیا نمایند. یکی از اهداف اصلی این مدل در نظام اجتماعی به طور اخص و سایر نظامات به طور عام یکپارچه‌سازی است و عنصر اصلی در این فراگرد رهبران هستند و سازمان‌های مردم نهاد از جمله رهبران عام و تعمیم یافته جامعه‌اند.

در این تحقیق با توجه به روند مطالعه‌ی انجام شده (نمودار شکل ۴)، در دنیای مدرن امروز مهندسی اجتماعی هر جامعه از طریق شکل‌گیری نهادهای مردمی یا سمن‌ها تحقق می‌یابد و چگونگی شکل‌گیری نهادهای مردمی یکی از ابعاد پنهان این تحقیق بوده که با بررسی جامعه‌ی هدف با استفاده از روش تحقیق عوامل در شکل‌گیری سازمان‌های مردم نهاد باید مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- عوامل زمینه‌ای: شکل‌گیری در قالب نیازهای فرهنگی، اجتماعی و مادی بین افراد و جامعه‌ی ظهور و بروز می‌کند؛
  - ۲- عوامل ساختاری، که در چارچوب اهداف و آرمان‌های جامعه، نوع ارتباطات بین افراد و گروه‌ها، ظرفیت و توانمندی یک نوع انسجام و یکپارچگی را در جامعه‌ی مورد نظر به وجود می‌آورد؛
  - ۳- از تعامل دو عامل زمینه و ساختار، عملکرد و رفتار گروه‌های اجتماعی به صورت نظام‌مند سمت و سو پیدا می‌کنند؛ یعنی چنان چه متولیان مهندسی اجتماع به دو عامل زمینه‌ای و ساختاری بین اقوام و گروه‌ها توجه کنند می‌توانند، عامل توسعه‌ی سازمان‌های مردم نهاد و تقویت‌کننده‌ی روابط بین آنها باشند.
- شکل صفحه بعد این روابط را نشان می‌دهد. (شکل ۶)



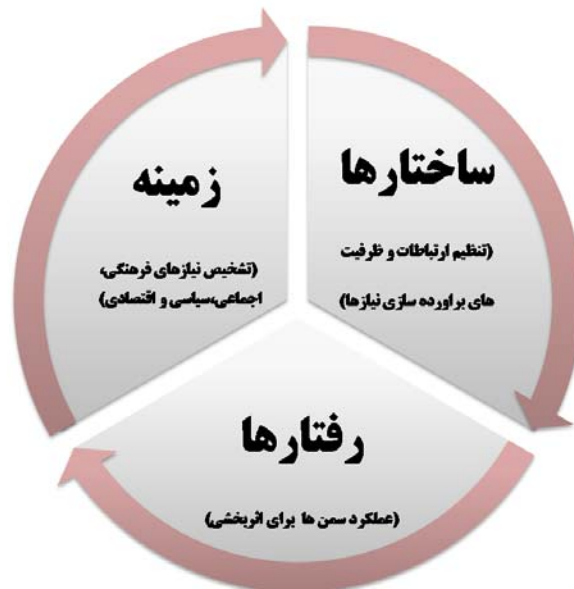
شکل شماره ۶

اصولاً گروه‌های پژوهشی تحول‌گرا به باز مهندسی هر سه حوزه‌ی ساختار، زمینه و رفتار پرداخته‌اند و احیاناً کم اثر بودن نتایج چنین راهبردی ناشی از عدم جامعیت و شمولیت آنها بوده که به پیامدها و ارزش‌های راهبردی منتج نشده است، هر قدر سمت و سوی این رویکردها از تمرکزگرایی به سیستم‌های غیررسمی، محلی و بومی، سوق داده شود نتایج اثربخش‌تری را به دنبال خواهد داشت.

تشریح عوامل سه‌گانه:

۱- عوامل ساختاری: عوامل ساختاری در برگیرنده‌ی تمام عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی سازمان می‌باشد که با نظم و قاعده و ترتیب خاص و به هم پیوسته شکل گرفته باشد. (مجموعه عوامل غیرزنده):

- ۲- عوامل زمینه‌ای: عوامل زمینه‌ای در این پژوهش شامل فرهنگ، ارزش‌ها و نیازهای اساسی جوامع و اقوام مختلف می‌گردد که چنانچه مورد دقت قرار گیرند، باعث همسوسازی آنها و ایجاد وحدت و همدلی در آنها می‌گردد؛
- ۳- عوامل رفتاری: شامل عوامل محتوایی هم چون روابط انسانی، نرم‌ها و شاخص‌های رفتاری، ارتباطات غیررسمی و الگوهای خاص به هم پیوسته هستند. به واقع، عوامل پویایی بخش و زنده‌ی مجموعه تلقی می‌شوند. که محصول تماس دو عنصر زمینه‌ای و ساختاری است که به عنوان رفتار گروه‌ها ظهور و بروز پیدا می‌کند.



شکل ۷- عرصه‌های شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد و حوزه‌ی عملکردی آنها در مهندسی اجتماع

#### روایی مبانی نظری

بر اساس یافته‌های تحقیق با استفاده از روش رویش نظریه‌ی عناصر اولیه که در تبیین مهندسی اجتماع به طور اعم مؤثرند (در حوزه‌های چهارگانه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) در سه قلمروی زمینه، ساختار و رفتار به نسبت‌های زمینه ۳۴ درصد، ساختار ۲۵

درصد و رفتار ۳۹ درصد ایفای نقش می‌نمایند. این عناصر با مقوله‌های کلیدی اجتماع توسط ۳۵ تن از دانشمندان اجتماعی که از نظر آنها در ادبیات تحقیق استفاده شده، بر حداقل یک و حداکثر ۶ مفهوم صحنه گذاشته‌اند. بنابراین، برای تحقق یک مهندسی پویا و پایدار اجتماعی شناخت عناصر اولیه، مفاهیم و مقوله‌های کلیدی و همچنین نحوه‌ی چیدمان متناسب این عوامل در ساختار مهندسی اجتناب‌ناپذیر است. بر همین مبنا در فصول بعد به سراغ متدولوژی خواهیم رفت که بتواند ما را در دریافت عوامل کلیدی سازمان‌های مردم‌نهاد که منجر به ایفای نقش آنها در مهندسی جامعه شود، رهنمون سازد (سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بخشی از جامعه)

### متدولوژی

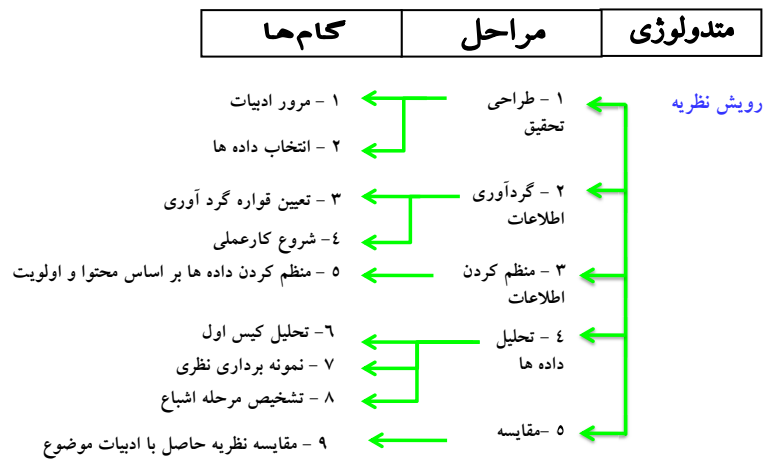
نظریه و روش به عنوان ابزار و وسایلی و با هدف نظام‌مند کردن و غنی ساختن تفکر و اندیشه، رابطه‌ی درونی ظریف و جدایی‌ناپذیر دارد که اگر درست کشف و تفسیر نشوند، موجب ایجاد انحراف هم در نظریه و هم در روش می‌شود؛ چون نظریه‌ی تجارب فکری روش‌دار است. بنابراین، هر فکری هر قدر پرمعنا باشد، اگر فاقد روش‌های مناسب با آن معنا باشد نمی‌توان آن را نظریه نامید.

- رویش نظریه<sup>۱</sup>: رویش نظریه مبتنی بر فلسفه پدیدارشناسی با فنومولوژی روشی است سیستماتیک، برای استخراج نظریه از داده؛ در این روش مفاهیم نهفته در پدیده‌ها استخراج شده و با کشف رابطه‌ی آنها با یکدیگر، گروه‌های مفهومی شکل می‌گیرد.
- در ارتباط گروه‌های مفهومی با یکدیگر و تشخیص گروه‌های اصلی، شبکه‌ی مفهومی شکل می‌گیرد و تا مرحله‌ی اشباع یعنی جایی که دیگر اضافه کردن داده‌های جدید مفهوم یا ارتباط جدیدی را اضافه نکند، ادامه می‌یابد و نتیجه به صورت یک الگوی مرتبط با موضوع ارائه می‌شود که معتقد است ساختن مدل با مشاهده شروع می‌شود، شاخص‌های در این روش، سرشتی تجربی دارد، که همین شاخص‌ها بنای ساختن

مفاهیم، مقوله و نظریه‌ها خواهد بود. فرایند رویش نظریه در ۵ مرحله‌ی تحلیلی (نه ترتیبی) به شرح زیر صورت گرفته است:

- ۱- طراحی تحقیق شامل دو گام مرور ادبیات تحقیق و انتخاب داده؛
- ۲- گردآوری اطلاعات با دوگام تعیین پروتکل گردآوری داده و آغاز کار عملی؛
- ۳- منظم کردن اطلاعات، بر حسب ترتیب زمانی (طی یک گام)؛
- ۴- تحلیل داده شامل ۳ گام با تحلیل ۵۰ کیس، نمونه‌برداری نظری و تشخیص پایان کار؛
- ۵- مقایسه، در یک گام مقایسه نظری حاصل با ادبیات موضوع.

در این روش سه عنصر اساسی وجود خواهد داشت، مفاهیم، گروه‌ها و گزاره‌ها که مفاهیم زیربنایی اصلی روش به شمار می‌رود.



نمودار ۱- مراحل و گام‌های روش رویش نظریه

ابزار تحلیلی محقق در این متدولوژی، توانمندی و اشراف محقق بر متدولوژی تحقیق (رویش نظریه) و کیس‌هاست.

برای روایی کار از چند تکنیک کمکی استفاده شده که نه تنها به اصل روش آسیبی وارد ننموده، بلکه بر غنای تحقیق نیز افزوده است. این تکنیک‌ها خود به تنهایی یک متدلوژی تحقیق‌اند که با هدف روایی بیشتر در کنار روش اصلی (رویش نظریه) قرار گرفته‌اند.

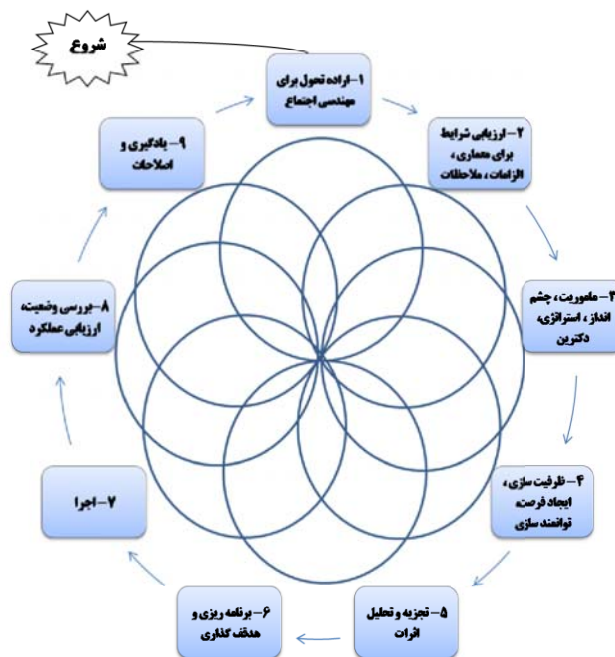
الف- آنتروپی شانون- برای اولویت‌بندی مفاهیم و مقوله‌های احصار شده از کیس‌های اطلاعات؛

ب- ماتریس تصمیم‌گیری؛

ج- تکنیک فازی به دلیل قرابت مفهومی و کاربردی که موضوعات اجتماعی با هم دارند؛

د- مدل نه فازی یا مدل اندرسون که فرایندی جز به کل است و نهایتاً در هسته‌ی مرکزی مدل از طریق همپوشانی و هم‌افزایی عوامل کلیدی به سه عرصه‌ی زمینه، ساختار، رفتار منتج می‌شود. (همپوشانی مفاهیم به صورت دوایر اقلیدسی شکل ۸)؛

ه- و نهایتاً مدل سه شاخگی.



شکل ۸- مدل فرایند ایفای نقش سازمان‌های مردم نهاد



برای تحقق و تبیین نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مهندسی اجتماع و با شالوده‌ای که از مبانی نظری تحقیق به دست آمده، ۵۰ سازمان مردم‌نهاد فعال در کشور هدف انتخاب شد. علت انتخاب این سازمان‌های مردم‌نهاد تنوع فعالیت آنها از یک‌سو و گستره‌ی جغرافیایی آنها از سوی دیگر است. چنان‌چه در مقدمه عنوان شد، بعضی از آنها در بیش از ۱۲۹ کشور فعالند، علاوه بر این دو اصل عمق و کیفیت اقدامات بعضی از آنهاست که نتایج کاملاً ملموسی را در جهان و از جمله منطقه‌ی هدف بر جای گذاشته‌اند که همین عامل مبنای گزینش آنها بوده است.

از جمله این نهادها می‌توان AXFAM، DAK، ACSFAM، USAID، SOLA، ACTSA را نام برد که از معتبرترین سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی هستند که در بخش وسیعی از جهان فعالیت می‌کنند؛ به طوری که فقط اعتبار سال ۲۰۰۸ میلادی USAID بالغ بر ۳۷ میلیارد دلار، چیزی نزدیک به ثلث درآمد نفتی سالانه‌ی جمهوری اسلامی ایران است.

پنجاه کیس انتخابی از میان ۷۱۴ سازمان مردم‌نهاد فعال در جغرافیای سیاسی منطقه‌ی هدف طی دو مرحله صورت گرفت. در مرحله‌ی اول ۲۲ مورد انتخاب و طی یک فرایند طولانی و از طریق سه مرحله کدگذاری آزاد، محوری و انتخابی بر اساس متدولوژی رویش نظریه:

شاخص‌ها ← مولفه‌ها ← ابعاد ← مفاهیم ← طبقات ← قضایا ← مقوله‌های کلیدی و نظریه‌ها استحصال گردید. با مطالعه‌ی این تعداد کیس احساس می‌شد که موضوعات مشترک اشباع شده و کفایت مطالعه را می‌رساند. ولیکن با هدف عمق بخشیدن به تحقیق و روایی بیشتر، اصل تعمیم تحلیلی در ابعاد مفاهیم و فرضیه، روند مورد کاوی تا پنجاه کیس ادامه یافت که نتیجه‌ی جدیدی به دست نیامد. به عبارتی، راستی آزمایی نتایج به دست آمده صحت نتایج مراحل قبلی را تأیید می‌نمود.

در این فرایند ۲۹۳۳ شاخص اطلاعاتی، احصا گردید که در فرایند متدولوژی به ۶۸۶ مؤلفه، ۳۶ بعد، ۲۰ مفهوم اصلی، ۹ مقوله‌ی کلیدی و نهایتاً سه مقوله‌ی زمینه، ساختار و رفتار منتج گردید. مفاهیم استحصال شده از فرایند پژوهش در حداکثر پنجاه کیس و حداقل هفده کیس شناسایی شده که مؤید روایی کار می‌باشد.

قطعاً می‌بایست این مفاهیم برای فهم مشترک بین کنشگران بیان و تعریف شود تا ضمن قرابت و همخوانی با مبانی نظری پژوهش، برداشت‌های مشترکی را تداعی نماید که به تفصیل تشریح شده است.

برای تعیین جایگاه و اولویت این مقوله‌های به‌دست آمده از روش آنتروپی شانون که کاربرد آن معطوف به تحلیل محتوا بوده استفاده گردید، هم‌چنین از ماتریس تصمیم‌گیری و تکنیک فازی کمک گرفته شد. تکنیک‌های کمی مذکور هر یک به تنهایی خود یک متدولوژی تحقیق‌اند اما بهره‌گیری از ترکیبی از این تکنیک‌ها در جوف‌گرند تئوری بر غنای کار افزوده است، هر چند گرند خود به تنهایی کفایت می‌نمود- دلیل انتخاب این تکنیک‌ها به گستره‌ی حوزه‌های مفهومی خصوصاً علوم اجتماعی و انسانی بر می‌گردد که با متره و معیارهای صرفاً کمی قابل اندازه‌گیری نیستند و یا حداقل بعضی از مفاهیم آنها را نمی‌توان از هم تفکیک هندسی نمود. از طرفی این مقوله‌ها در عرصه‌ی اجتماع دارای یک ویژگی چرخشی و دینامیکی‌اند (کازالوپ شکل ۹)؛ یعنی تعامل آنها غیرخطی و کاملاً پویاست، چراکه هم‌افزایی رمز پایداری و توسعه‌ی نظامات اجتماعی است. نهایتاً مفاهیم بیست‌گانه حول محور ۹ مفهوم کلیدی و سه مقوله‌ی محوری (زمینه، ساختار و رفتار) یک شبکه‌ی مفهومی (شکل ۱۰) را به‌دست می‌دهد که مبنایی برای استنباط یک متانظریه، یک نظریه‌ی اصلی و سه نظریه‌ی فرعی گردید.

#### ۲۰ مقوله‌ی نهایی گزینش شده از ۳۶ مقوله

- |                          |                                 |
|--------------------------|---------------------------------|
| ۱. شناخت جامعه‌ی هدف     | ۱۱. عمق بخشی                    |
| ۲. تعهد                  | ۱۲. تحول در انگاره‌ها           |
| ۳. برنامه‌ی مدون         | ۱۳. بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی |
| ۴. ظرفیت‌سازی            | ۱۴. عملکرد حرفه‌ای              |
| ۵. حضور و نفوذ           | ۱۵. توانمندسازی                 |
| ۶. مفاهمه و درک مشترک    | ۱۶. پایگاه کارآمد               |
| ۷. ارائه‌ی خدمات اجتماعی | ۱۷. ارزش‌زایی                   |

- ۸. اعتماد اجتماعی
- ۹. مشارکت عمومی
- ۱۰. نخبه‌گرایی
- ۱۸. پایدارسازی کارکردها
- ۱۹. انعطاف‌پذیری
- ۲۰. مدرنیته و مدنیت

**مقوله‌های نه‌گانه:**

- ۱- شناخت جامعه‌ی هدف؛
- ۲- ظرفیت‌سازی و توانمندسازی؛
- ۳- اعتماد اجتماعی؛
- ۴- عمق‌بخشی و نفوذ؛
- ۵- جذب نخبگان؛
- ۶- انعطاف‌پذیری در ساختارها؛
- ۷- عملکرد حرفه‌ای؛
- ۸- پایدارسازی رفتارها و کارکردها؛
- ۹- پایگاه کارآمد.

**مقوله‌های کلیدی**

**سه مقوله‌ی اصلی:**

- ۱- اعتماد اجتماعی (در حوزه‌ی زمینه)؛
- ۲- ظرفیت‌سازی و توانمندسازی (در حوزه‌ی ساختار)؛
- ۳- عملکرد حرفه‌ای (در حوزه‌ی رفتار).

**مقوله‌های کلیدی ثانویه**

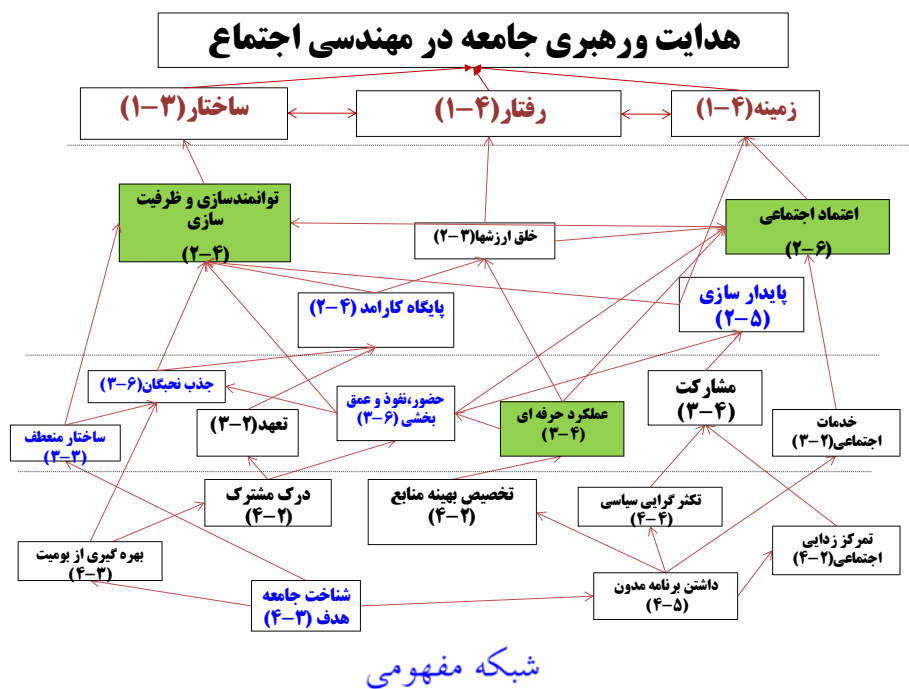
- ۱- عمق‌بخشی و نفوذ (زمینه)؛
- ۲- نخبه‌گرایی (ساختار)؛



جدول شماره ۲

کد گذاری انتخابی در ابعاد سه گانه	
ابعاد	مقوله‌ها
زمینه ٪۳۴	۱- اعتماد اجتماعی از طریق شناخت نیازهای اساسی ۲- شناخت جامعه‌ی هدف ۳- نفوذ و عمق‌بخشی ۴- خلق ارزش ۵- بسترسازی برای مدنیت ۶- تغییر در رویه‌ها ۷- بومیت ۸- مفاهمه
ساختار ٪۳۵	۱- ظرفیت‌سازی و توانمندسازی ۲- ایجاد پایگاه کارآمد ۳- داشتن برنامه ۴- انعطاف‌پذیری در ساختارها ۵- مشارکت عمومی ۶- نخبه‌شناسی و نخبه‌پروری
رفتار ٪۳۱	۱- ظرفیت‌سازی و توانمندسازی ۲- ایجاد پایگاه کارآمد ۳- داشتن برنامه ۴- انعطاف‌پذیری در ساختارها ۵- مشارکت عمومی ۶- نخبه‌شناسی و نخبه‌پروری

عوامل احصا شده از ایفای نقش‌ها به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر روی معماری اجتماع (مهندسی) تأثیر گذارند. آنها بر روی یکدیگر نیز مؤثرند. این ارتباطات به بهترین نحو توسط یک شبکه‌ی مفهومی نشان داده می‌شود در این شبکه‌ی مفهومی، هر بردار نمایان‌گر یک رابطه‌ی علت و معلول است (انتهای بردار علت و رأس بردار معلول را نشان می‌دهد) در بالاترین سطح شبکه (لایه‌ی یک) عوامل اصلی نقش و تأثیر قرار دارد. برای هر عامل در شبکه دو عدد نشان داده شده است که یکی مبین لایه‌ی عامل در شبکه و دیگری نمایانگر تعداد ارتباطات آن (ورودی و خروجی) با سایر اجزای شبکه است. عدد لایه، متناظر با فاصله‌ی عامل با لایه‌ی صفر است و نشان می‌دهد که عامل در چه سطحی از شبکه قرار گرفته است. پس از بالاترین سطح شبکه ۹ عامل در ۴ گروه قرار دارد که می‌توان آن را اصلی‌ترین عوامل نقش و تأثیر دانست. این ۹ عامل اصلی عبارتند از عوامل مؤثر در مرحله‌ی تدوین، مطالعه، تبیین نقش:



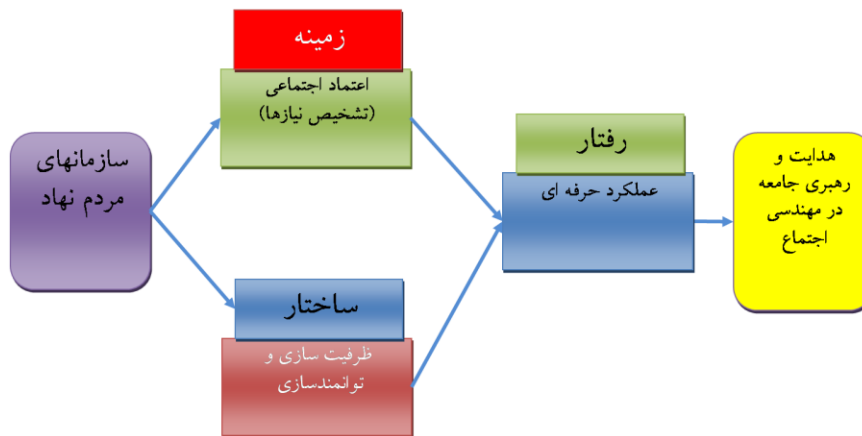
شکل ۱۰- مدل مفهومی

علی‌ای حال، می‌توان این‌گونه استنباط نمود که سازمان‌های مردم‌نهاد فرصتی راهبردی است که نفوذ را در همه‌ی ابعاد تعمیق و گسترش می‌دهند (نفوذ سیاسی، نفوذ فرهنگی، نفوذ اطلاعاتی) و رهبران برای دستیابی به اهداف راهبردی در پارادایم جامعه‌محور الزاماً می‌بایست بر مقوله‌هایی هم‌چون اعتماد اجتماعی، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جامعه‌ی هدف تمرکز نمایند. نتایج حاصل از مطالعه‌ی کیس‌ها و ساختار شبکه‌ی مفهومی نشان می‌دهد که:

۱- اعتماد اجتماعی با بالاترین فراوانی در کیس‌ها و در حوزه‌ی زمینه (فرهنگ و مجموعه‌ی عوامل محیطی) یکی از مؤثرترین مقوله‌های اثرگذار در توسعه‌ی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد است.

۲- ظرفیت‌سازی و توانمندسازی در ابعاد گوناگون ساختار، بستر حضور، نفوذ و عمق بخشی را مهیا می‌نماید و در ابعاد غیرساختاری خودسامانی، خودباوری و خودتکایی را به دنبال دارد.

عملکرد حرفه‌ای با تکیه بر تعاملات و روابط رسمی، عملکرد فردی و تخصصی در حوزه‌های گوناگون و با تکیه بر عامل زمان از کلیدی‌ترین عوامل تأثیرگذار در ایفای نقش توسط سازمان‌های مردم‌نهاد می‌باشد.



شکل ۱۱- مدل نظریه اصلی

بدین ترتیب یک نظریه‌ی اصلی و سه نظریه‌ی فرعی و یک متانظریه از نتایج مطالعات حاصل می‌شود:

**نظریه‌ی پیشنهادی (متانظریه):**

تعامل نظام‌مند و موزون فی‌مابین سه عرصه‌ی دولتی، خصوصی و عمومی موجب تعالی و توسعه‌ی جامعه خواهد شد.

**نظریه‌ی اصلی:**

سازمان‌های مردم‌نهاد نقش هدایت و رهبری را در عرصه‌ی عموم جامعه بر عهده دارند.

**نظریه‌های فرعی:**

۱- در بعد زمینه‌ای:

اعتماد اجتماعی، مهم‌ترین سازه سرمایه اجتماعی، یکپارچگی و کارآمدی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مهندسی اجتماع است.

۲- در بعد ساختار:

ظرفیت‌سازی، توانمندسازی و ایجاد قابلیت‌های مناسب با هدف برآورده‌سازی نیازهای جامعه، تضمین‌کننده توسعه‌ی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مهندسی اجتماع خواهد شد.

۳- در بعد رفتاری:

عملکرد حرفه‌ای با تکیه بر روابط و تعاملات رسمی بین افراد، کارکردهای فنی و تخصصی در عامل زمان، موجب تأثیرگذاری عمیق، توسعه و گسترش نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مهندسی اجتماع خواهد شد.





شکل ۱۲- سطوح نظریه

### پیشنهادات

- ۱- توسعه‌ی سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه مشروط به تعامل و هماهنگی موزون سه بخش دولتی، خصوصی و عمومی است. بنابراین، دولت‌ها باید توجه ویژه‌ای به تقویت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مهندسی اجتماع مبذول دارند.
- ۲- طراحی و تدوین چشم‌اندازها، ساختارها و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در خصوص فعال‌سازی نهادهای مردمی کشور در یک راهبرد تعاملی با کشورهای همسایه به جای دیپلماسی صرفاً دولتی.
- ۳- ارتقا جایگاه اداره سازمان‌های مردم‌نهاد در وزارت کشور و ایجاد اقطاب و کرسی‌های پژوهشی و تحقیقاتی توانمند مختص کشورهای همسایه در نهادهای علمی پژوهشی کشور.

- ۴- ضرورت مطالعه و شناخت عمیق نیازمندی‌های گروه‌ها، اقوام و مذاهب مختلف جامعه‌ی هدف در ابعاد فرهنگی، اجتماعی سیاسی و اقتصادی و تبیین نقش سازمان‌های مردم نهاد در ایجاد تعامل نظام‌مند با آنها.
- ۵- استفاده از سازمان‌های مردم نهاد کشور در ظرفیت‌سازی و توانمندسازی مردم جامعه‌ی هدف و تعریف مأموریت‌های آنان در همکاری و راه‌اندازی نهادهای آموزشی، بهداشتی، ورزشی، فرهنگی، سرمایه‌گذاری و ...؛ ایجاد ساختارهای اقتضایی.
- اعتمادسازی بین اقشار مختلف نهادهای مردمی جامعه‌ی هدف، از طریق پایش و ارتقای عملکرد و رفتارهای نهادهای مردمی کشور با مأموریت و تقسیم کار مشخص در چارچوب سیاست‌های مدون شده.

## منابع

- ۱- آذر، عادل، تصمیم‌گیری کاربردی. نگاه دانش ۱۳۸۸.
- ۲- آذر، عادل و فرجی، حجت، علم مدیریت فازی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۳- آریانپور، ا.ج، زمینه جامعه‌شناسی، انتشارات گستره، ۱۳۸۸.
- ۴- اصغری‌پور، محمدجواد، تصمیم‌گیری‌های چند معیاره، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- ۵- اندرسون، دین ولیندا، فراسوی تغییر، انتشارات ارگ، ۱۳۸۷.
- ۶- اهریخانی، حسن، زمینه‌های روش‌شناختی، سمت ۱۳۸۵.
- ۷- ایکاف، راسل، برنامه‌ریزی تعاملی، مرکز نشر، ۱۳۷۵.
- ۸- ایکاف، راسل - بازآفرینی سازمان. ترجمه شریفی، مردانی و مریدکی، انتشارات مدیریت صنعتی، ۱۳۸۲.
- ۹- بشیریه، حسین، گذار به دموکراسی، نشر نگاه، ۱۳۸۲.
- ۱۰- بشیریه، حسین، گذار به مردم‌سالاری، نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۶.
- ۱۱- پیتر سنگه، پنجمین فرمان، ترجمه-کمال هدایت و محمدروشن. انتشارات مدیریت صنعتی، ۱۳۸۴.
- ۱۲- تالکت پارسونز، جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر عباس محمدی. نشر علمی ۱۳۸۷.
- ۱۳- جرجیان، ادوارد- ترجمه مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۸۴.
- ۱۴- چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، نشرنی، ۱۳۷۵.
- ۱۵- خانی، محمدحسن، سازمان‌های بین‌المللی، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵.
- ۱۶- دواس، دی اف ای، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، نشر نی، ۱۳۸۳.
- ۱۷- دانایی فر، الوانی، عادل آذر، روش‌شناسی کمی، صفار، ۱۳۸۸.
- ۱۸- دانایی فر، الوانی، عادل آذر، روش‌شناسی کیفی، صفار، ۱۳۸۸.
- ۱۹- رابرت ک.ین، ترجمه علی پارساتبان، تحقیق موردی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.
- ۲۰- سعیدی، محمدرضا، درآمدی بر سازمان‌های غیردولتی، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- ۲۱- شاه‌علیزاده، محمد، مهندسی روش، انتشارات جامعه دانشگاهی، ۱۳۷۹.
- ۲۲- صادقی‌پور، ابوالفضل، مباحثی در مهندسی اجتماع، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۵.
- ۲۳- صبوری، منیژه، سازمان‌های غیر دولتی، انتشارات سخن گستر، ۱۳۸۵.
- ۲۴- طوسی، محمدعلی، بالندگی سازمان، مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت، ۱۳۸۰.
- ۲۵- عضدانلو، حمید، گفتمان و جامعه. نشر نی، ۱۳۸۰.

- ۲۶- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن، جامعه‌شناسی مشارکت، نشر نزدیک، ۱۳۸۶.
- ۲۷- فیلد، جان، سرمایه اجتماعی، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۵.
- ۲۸- کاپلان، رابرت، نقشه استراتژی، گروه پژوهشی آریانا، ۱۳۸۴.
- ۲۹- کمالی، مسعود، جامعه مدنی، دولت‌سازی در ایران معاصر، پژوهشکده فرهنگ و هنر، ۱۳۸۱.
- ۳۰- کیوی، ریمون، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه نیک گهر، ۱۳۸۴.
- ۳۱- گلشن پژوه، محمدرضا، راهنمای سازمان‌های غیردولتی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران معاصر، ۱۳۸۶.
- ۳۲- مقیمی، دکتر سید محمد، کارآفرینی نهادهای مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ۳۳- NGOs چیست، انتشارات وزارت کشور، ۱۳۸۴.